

## به نام او

حزب توده ایران، حزب کمونیست ایران، در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ در تهران بنیانگذاری شد. بنیان‌گذاران آن عده‌ای (۵۳ نفری (از روشنفکران و فعالان چپ‌گرا و ملی‌گرا بودند. نفر و ۴۰ نفر و ۳ نفر و ۴ نفر، معروف به جمع ۵۳ نفر، گروهی از زندانیان سیاسی در ایران بودند که در دوران رضاشاه در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بازداشت و محبوس شدند. این افراد اکثراً گرایش به مکتب‌ها و ایده‌های تازه مطرح شده وقت داشتند و بنابراین، اکثراً گرایش به مردم‌سالاری جامعه‌خواه، کمونیسم و شاخه‌های آن داشتند.

از بنیان‌گذاران آن می‌توان به سلیمان میرزا اسکندری (مترجم نامدار)، ایرج اسکندری (نماینده مجلس شورای ملی و وزیر پیشه و هنر)، بزرگ علوی (نویسنده و سیاست‌مدار)، انور خامه‌ای (نویسنده و مترجم، اقتصاد دان و جامعه‌شناس)، عبدالصمد کامبخش (سیاست‌مدار و نماینده مجلس)، احسان طبری (نویسنده و شاعر)، آرداشس آوانسیان (یا اردشیر، نماینده ارمنی‌های شمال کشور در مجلس)، خلیل ملکی (سیاست‌مدار)، فریدون کشاورز (نماینده مجلس)، عبدالحسین نوشین (نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان تئاتر و شاهنامه‌پژوه و از مصححان شاهنامه) و رضا رادمنش (نماینده مجلس و استاد دانشگاه) اشاره کرد که اغلب در دوره رضا شاه تحت پیگرد یا در زندان بودند.

این حزب برای مدت‌ها به صورت «چراغ خاموش» در ایران فعالیت می‌کرد تا اینکه پس از کودتای ۲۸ مرداد و افشای نظامیانی که مخفیانه عضو حزب توده ایران بودند، حزب با سرکوب گسترده‌ای از سوی حکومت روبرو شد و صدها افسر ارتش ایران به دلیل عضویت در این حزب به اعدام، زندان و تبعید محکوم شدند. حزب که از سال ۱۳۲۷ غیرقانونی اعلام شده بود، به فعالیت مخفی خود ادامه داد و بخشی از رهبران و کادرها هم کشور را ترک کردند.

حزب توده ایران در انقلاب ۱۳۵۷ شرکت کرد و با وجود حمایت همه‌جانبه از انقلاب ایران به علت مخالفت با ادامه جنگ ایران و عراق (پس از آزادی خرمشهر)، در سال ۱۳۶۲ به بهانه توطئه برای کودتا به جاسوسی متهم شده که به دستگیری افرادی مثل احسان طبری و نورالدین کیانوری

انجامید و بسیاری از اعضای آن نیز به اعدام و زندان و تبعید محکوم شدند. بعد از سرکوب سنگین، حزب از فعالیت سیاسی علنی و قانونی در ایران بازماند. بخشی از رهبران و کادرها و اعضای حزب در خارج از کشور و به‌طور مشخص در کشور های اروپایی مستقر شدند و فعالیت سیاسی حزب را ادامه می‌دهند.

در اساسنامه این حزب این‌گونه نوشته شده که «هدف نهایی حزب توده ایران، استقرار سوسیالیسم در ایران، است و نخستین گام در راه تحقق این هدف را، برقراری حکومت دموکراتیک می‌داند، که زمینه استقرار آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی را در جامعه فراهم آورد.» ولی شوروی را کشوری سوسیالیست می‌شناخت و با حزب کمونیست آنها روابط نزدیکی داشت. ایرج اسکندری می‌نویسد: «هدف حزب توده متحدکردن توده‌ها، کارگران، دهقانان، تجار، صنعتگران و روشنفکران مترقی است. البته این طبقات از نظر اقتصادی تفاوت دارند. مثلاً، در حالی‌که کارگران چیزی غیر از نیروی کار خود ندارند، صنعتگران کنترل ابزار تولیدشان را در دست دارند و دهقانان هم قطعه زمینی دارند یا در آرزوی به دست آوردن آن هستند؛ ولی در ایران معاصر، این اختلاف تحت‌الشعاع مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، زمین‌داران غایب، سرمایه‌داران استثمارگر و صاحبان چپاولگر صنایع قرار گرفته‌است. وظیفه ما متحدکردن طبقات استثمار شده و ایجاد حزبی متشکل از توده‌هاست.»

در نخستین انتخابات پس از سقوط رضاشاه ۸ تن از نامزدهای حزب از تبریز، اصفهان، گیلان و تهران توانستند به مجلس راه یابند. وجود ۸ تن از اعضای حزب در آن مجلس ۸۰ نفری، سبب شد که حزب نفوذ زیادی در مجلس داشته باشد. با آغاز نهضت ملی شدن نفت و نخست‌وزیری دکتر مصدق، حزب توده ایران به مخالفت با دولت مصدق پرداخته و او را عامل انگلیس و آمریکا اعلام می‌کرد. علت اصلی این مخالفت، تقابل سیاست مصدق با سیاست حزب توده مبنی بر دادن امتیاز نفت شمال به شوروی بود. بعد از قیام ۳۰ تیر و تلاش برای مقید سازی شاه به لزوم اجرای قانون اساسی حزب توده به صورت محدود از این موضوع حمایت کرد. اما هرگز از دولت مصدق و نهضت ملی شدن نفت حمایت کامل نکرد. محمدرضا پهلوی در بهمن ماه ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران توسط یک متعصب مذهبی و وابسته به حزب توده مورد سوء قصد قرار گرفت. پس از آن دولت حزب توده را منحل اعلام کرد. پس از این اعلان، حزب به فعالیت مخفی روی آورد و بخشی دیگر از رهبران حزب به خارج از کشور رفتند.